

# آموزش معلمان در مدارس رشدیه

## مطالعه موردی کتاب‌های درسی هدایة‌التعلیم و نهایة‌التعلیم

مقاله

● مهرداد فردیار\* ● سیدرضا باقریان موحد\*\*

### اشاره

با گسترش مدارس جدید در دوره قاجار به تدریج موضوعاتی نظیر نگارش کتاب‌های درسی، تأمین و آموزش معلمان و شیوه‌های تدریس مورد توجه قرار گرفت. دربارهٔ کمبود معلم، روش‌های تدریس و آموزش معلمان مدارس جدید و پیش از تأسیس رسمی دارالمعلمین، مطالعات و پژوهش‌های اندکی صورت گرفته است. میرزا حسن رشدیه از بنیانگذاران نهاد آموزشی جدید در ایران افزون بر استفاده از روش آموزشی جدید الفبا (الفبای صوتی)، آموزش الفبا به سالمندان و تألیف کتاب‌های درسی، به تدوین روش تدریس معلمان توجهی جدی داشت. نمونه‌ای از تلاش‌های وی در این زمینه، تألیف کتاب‌های درسی هدایة‌التعلیم و نهایة‌التعلیم است.

کتاب درسی هدایة‌التعلیم بسیار هوشمندانه و مبتکرانه نگاشته شده است، زیرا افزون بر اینکه کتاب درسی دانش‌آموزان محسوب می‌شده، نوعی راهنمای تدریس معلمان برای کتاب درسی هدایة‌التعلیم بوده است. در این تحقیق به اختصار به برخی نکات مورد نظر میرزا حسن رشدیه دربارهٔ روش تدریس معلمان، از لابه‌لای مطالب کتاب‌های هدایة‌التعلیم و نهایة‌التعلیم می‌پردازیم.

### مقدمه

اگر از مکتب‌خانه‌ها و حوزه‌تعلیماتی ملاماجی‌ها بگذریم، در کشور ما هیچ‌گونه تعلیمات اندیشیده و مصوبی وجود نداشته مگر درحوزه‌های علمیة دینی که از روزگاران کهن به همان سبک و سیاق سنتی و اغلب در رواق‌ها و ایوان‌های مساجد رواج داشته و تقریباً همهٔ بزرگان علم و ادب ما با همین مدارس سر و کار داشته‌اند (نویسی، ۱۳۷۷، ص ۳۵).

fardyar@gmail.com

\* پژوهشگر حوزه تاریخ تعلیم و تربیت

\*\* کارشناسی ارشد ادبیات فارسی، دبیر ادبیات فارسی

مکتبخانه‌ها یکی از ابتدایی‌ترین اشکال آموزش در دوره قاجار و از آن پس تا سال‌های متأخر به حساب می‌آمدند و آموزش در سطوح مبتدی را برعهده داشتند (قنبری، ۱۳۸۶، ص ۱۱۹). شکل‌گیری نهاد آموزش مدرن در ایران با تلاش‌های اصلاح‌گرایانه عباس میرزا (نایب‌السلطنه فتحعلی‌شاه قاجار) در زمینه آموزش نظامی همراه بوده است. عباس میرزا نهاد آموزشی تأسیس نکرد، اما امیرکبیر و رشديه نهادهای آموزشی جدیدی بنیان نهادند. این نهادها

امیرکبیر و رشديه  
نهادهای آموزشی  
جدیدی بنیان  
نهادند



رشدیه اتفاق نظر  
بر روی یک روش  
آموزشی و استفاده  
از آن را دارای فواید  
زیادی می‌دانست

در کشور ما در تناظر با نهادهایی با سابقه طولانی بودند. مدارس علوم دینی و مکتبها، نهادهای سنتی آموزش در ایران بودند. (ایروانی، ۱۳۹۳، ص ۸۶-۸۷). به روایت کسانی که خود در مکتبخانه‌ها تحصیل کرده‌اند، آموخته‌های کودکان در مکتبخانه‌ها بسیار کم، ناچیز و مدت زمان تحصیل نیز طولانی بود و عملاً بهره‌وری مناسبی نداشت و اعمال خشونت و تنبیه بدنی سبب روی گردانی کودکان از مکتب و معلم مکتبخانه (میرزا یا ملا) می‌شد (تاره، ۱۳۹۳، ص ۱۶۴). همچنین می‌توان به نامناسب بودن مکان آموزشی و ناهمخوانی مواد درسی با مقتضیات سنی شاگردان اشاره کرد (طاهری مقدم و بوچانی، ۱۳۹۴، ص ۷۴). یکی از علت‌های گرایش به گسترش مدارس جدید، وضع آموزشی مکتبخانه‌ها و پیامدهای آموزشی آن‌ها بوده است (نصیری، ۱۳۸۷، ص ۱۹۵).

اندیشمندان و روشنفکرانی بودند که برای بهبود نظام آموزشی به فعالیت‌های فکری و عملی دست زدند، از جمله میرزا یوسف خان مستشارالدوله، طالبوف تبریزی و میرزا ملکم‌خان و... برخی از آنها تمام مشکلات عقب‌ماندگی را به الفبای فارسی نسبت می‌دادند و در نتیجه به دنبال اصلاح خط و یا اختراع الفبای جدید بودند و همان زمان هم افرادی این نظرات را ساده‌لوحانه می‌دانستند و بر آن خرده می‌گرفتند (طاهری مقدم و بوچانی، ۱۳۹۴، ص ۷۴ و ۷۷-۸۱). میرزا حسن رشدیه از جمله افرادی بود که شیوه رایج آموزش الفبا را پرزحمت، کم‌فایده و موجب ابطال عمر معلم و متعلم می‌دانست (رشدیه، ۱۳۲۱ق، ص ۲). وی به جای هجی کردن حروف با نام آن‌ها، حروف را با صدای آن‌ها هجی کرد (امین سبحانی، ۱۳۳۷، ص ۴۳) و شیوه تدریس جدید الفبا (الفبای صوتی) را برگزید و این موضوع اتهامات فراوانی را علیه وی برانگیخت و با مخالفت‌های زیادی روبه‌رو شد.

با گسترش مدارس جدید در دوره قاجار موضوعاتی نظیر تألیف کتاب درسی، تأمین معلم و شیوه‌های آموزش مورد توجه بیشتری قرار گرفت. در این دوران، مدیران و مؤسسان مدارس برای تأمین معلم به مختصر سواد خواندن و نوشتن داوطلبان معلمی و ... اکتفا می‌کردند. تلاش‌های پراکنده‌ای پس از رواج مدارس جدید در دوره قاجار و قبل از تأسیس دارالمعلمین (۱۲۹۷ش) توسط افراد و یا گروه‌های مختلفی برای آموزش معلمان انجام شده است که ما اطلاعات جامع و چندانی درباره آن‌ها نداریم.

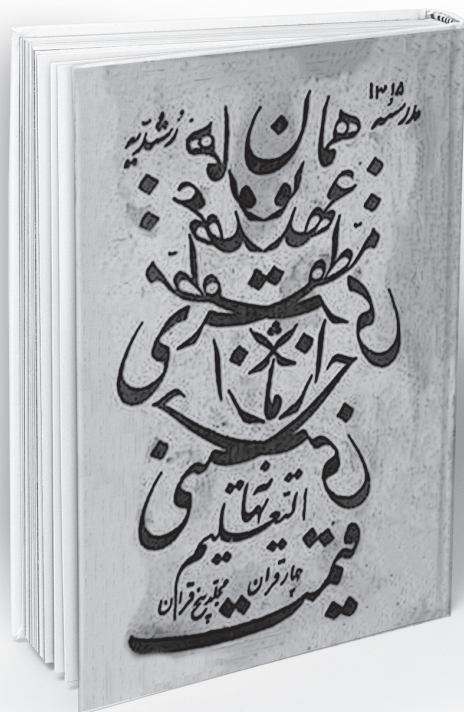
تحصیل کردن رشدیه در دارالمعلمین فرانسوی بیروت باعث آشنایی وی با مفاهیم و شیوه‌های آموزش و نیز تعلیم معلمان شده بود و بر اساس خاطرات و متن کتاب‌های درسی تألیفی وی مشخص می‌شود که از دیدگاه ایشان هر شخص باسواد صلاحیت تدریس و معلمی را ندارد و اصول تدریس علم جداگانه‌ای است که بایستی بر اساس دانش روز به معلمان آموزش داده شود؛ وی شخص عالم را از معلم متفاوت می‌دانست (فردیاری و باقریان، ۱۳۹۶، ص ۱۳۵-۱۴۴) و حتی در اعلان اولین مدرسه رشدیه در شهر تبریز ضمن اشاره به این موضوع، یکی از دلایل عدم کارایی مکتبخانه‌ها را به عدم آشنایی معلمان با اصول تدریس نسبت داده است (بقائی، ۱۳۹۴، ص ۴۴ و ۹۹).

## معرفی کتاب‌های درسی هدایایه‌التعلیم و نهاییه‌التعلیم

بنا بر اظهار میرزا حسن رشديه، معلم، اصول تعلیم رشديه را بسیار مشکل و تعلیم این قواعد را برای اطفال غیرممکن می‌دانستند، اما وی بر آن بود که معلم پس از اندکی تأمل و آشنایی با اصطلاحات جدید هیچ مشکلی در تعلیم و تعلم نخواهند داشت (رشديه، ۱۳۲۱ق، ص ۱۳). همچنین رشديه اتفاق نظر بر روی یک روش آموزشی و استفاده از آن را دارای فواید زیادی می‌دانست (همان، ص ۵-۶). او برای انجام این کار، علاوه بر شیوه آموزش مستقیم معلم، از روش درج مطالبی ویژه آن‌ها در متن کتاب‌های درسی بهره برده است. کتاب درسی تسهیل الحساب در زمینه آموزش حساب، تألیف میرزا علی ایروانی (برادر ناتنی میرزا حسن رشديه و یار و همراه وی) در سال ۱۳۰۸ق (ایروانی، ۱۳۰۸ق) یکی از نخستین نمونه‌های کتاب درسی شناسایی شده، دارای نکاتی برای تدریس معلم است. بی‌توجه به جمع‌آوری و حفظ و نگهداری کتاب‌های درسی قدیمی در کشور باعث شده است که حتی پژوهشگران و علاقه‌مندان به کتاب‌های تألیفی منسوب به میرزا حسن رشديه، مؤسس مدارس جدید در ایران، در دسترسی و شناسایی کامل این آثار با دشواری‌های زیادی روبرو باشند. در برخی از کتاب‌های درسی تألیف ایشان به نکات آموزشی ویژه معلم اشاره شده که جزئیات و چگونگی آن در سایر منابع ثبت نشده است. در این پژوهش، متن دو کتاب درسی تألیف میرزا حسن رشديه به نام‌های هدایایه‌التعلیم و نهاییه‌التعلیم را از این منظر مرور می‌کنیم. بدیهی است این نکات و رهنمودهای آموزشی را نمی‌توان با راهنمای تدریس کتاب درسی امروزی مقایسه کرد، اما این ابتکارات و نوع‌آوری‌ها در تاریخ آموزش و پرورش و مدارس جدید، بسیار ارزشمند و حائز اهمیت بوده و کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

کتاب درسی هدایایه‌التعلیم یا هدایایه‌التعلیم فی اصول تدریس بدایه‌التعلیم شامل بخش‌های «تعلیم‌نامه بدایه رشديه» یا «اخطار در الفبای صوتی» و «بقیه سخن در ضابطه تدریس کتاب بدایه»، «ترجع الی ما نحن فیه»، «تقریظ»، «چهل درس (و به تناظر آن چهل تلقین) و بخش خاتمه «در الف لام شمسی و قمری و الف متروکه» است. این کتاب چاپ سنگی و در ۸۰ صفحه است که در ادامه به نکات بخش دیباچه تا تقریظ (۳۰ صفحه) اشاره می‌شود.

کتاب درسی نهاییه‌التعلیم شامل دیباچه‌ای درباره «وظایف ادب»، ۵۵ درس، ۵۵ تلقین، ۵۵ تمرین، ۲۷ وظیفه، ۱۱۸ اصطلاح با تعریف «بعضی اصطلاحات صرفی



میرزا حسن رشدیه  
بر آن بود که معلمان  
پس از اندکی  
تأمل و آشنایی با  
اصطلاحات جدید  
هیچ مشکلی  
در تعلیم و تعلم  
نخواهند داشت

و نحوی»، «ضوابط اصول تدریس خاصه نهایه‌التعلیم» (۱۰ ضابطه) و بخش‌های خاتمه کتاب و اخطار است. این کتاب چاپ سنگی<sup>۱</sup> شامل ۱۶۸ صفحه<sup>۲</sup> است که در این تحقیق به بخش ضوابط اصول تدریس آن توجه شده است.

### بعضی نکات مهم درباره‌ی چگونگی آموزش کتاب درسی هدایه‌التعلیم از دیدگاه میرزا حسن رشدیه

اطفال مبتدی نوآموز به مدت پنج تا پانزده روز (با توجه به دانش‌آموزان) و قبل از هرگونه استفاده از کتاب، دفتر و قلم مشغول تمرینات شفاهی باشند و آن‌ها را به تلفظ دقیق و واضح کلمات عادت دهیم. آن‌ها باید به گونه‌ای جواب سؤالات را واضح و ساده بیان کنند که اگر کسی از سؤال اطلاع نداشته باشد، از جواب آن‌ها متوجه سؤال شود. همچنین باید تلاش کرد تا آن‌ها بتوانند صدای حروف و حرکات کلمات را از هم تشخیص دهند و بدانند که هر کلمه با چند صدا ادا می‌شود ... «کار چون اینجا رسد، آسان شود». ... در این هنگام دانش‌آموزان بایستی از کتاب درسی بدایه‌التعلیم و معلمان از کتاب هدایه‌التعلیم استفاده نمایند. معلم دروس کتاب بدایه‌التعلیم را مطابق عبارت هدایه‌التعلیم تدریس کند، به عبارت دیگر با درس نخست بدایه‌التعلیم، عباراتی را که در درس اول هدایه‌التعلیم است در خاطر کودک نقش می‌بندد و معلم کتاب هدایه‌التعلیم را به دانش‌آموزان نشان ندهد. به طوری که اگر به طفل بگویند: درس دهم بدایه‌التعلیم را بخوان، تمام عبارات وارده در درس دهم هدایه‌التعلیم را از حفظ بگوید؛ اما فقط حفظ آن‌هایی که در بدایه‌التعلیم قید شده، الزامی است. مثلاً در درس اول بدایه‌التعلیم، غیر از نقطه چیزی نیست، ولی در درس اول هدایه‌التعلیم، راجع به نقطه عباراتی هست که ناچار است همان عبارات را از حفظ بخواند تا برسد به جایی که بگوید: «و رسمش این است» آن وقت صورت نقطه را از بدایه‌التعلیم نشان بدهد و بنویسد. ... به همین منوال تمام دروس بدایه‌التعلیم به ترتیب شماره تا آخر از روی کتاب هدایه‌التعلیم تدریس نماید (رشدیه، ۱۳۲۱ق، ص ۱-۱۰).

به عبارت دیگر، کتاب بدایه‌التعلیم به علاوه‌ی تقریرات خارج از کتاب دانش‌آموزان، نسخه‌ای از کتاب هدایه‌التعلیم است و بعد از آنکه دانش‌آموزان این کتاب را به همین نحو خوانند و از روی قرعه امتحان دادند، ناچارند که کتاب دیگری دست بگیرند. کتاب هدایه‌التعلیم که شاگردان مندرجاتش را حفظ کرده‌اند، از رو می‌خوانند و بایستی هر روزی یک درسش را از حفظ بنویسند و از حفظ تحویل بدهند. اهداف این کار عبارت‌اند از: تمرین عبارت‌خوانی، حفظ‌نویسی عبارات، قدرت تحریر و قوت قلم و اصلاح املا و تکرار قواعد (همان، ص ۱۱).

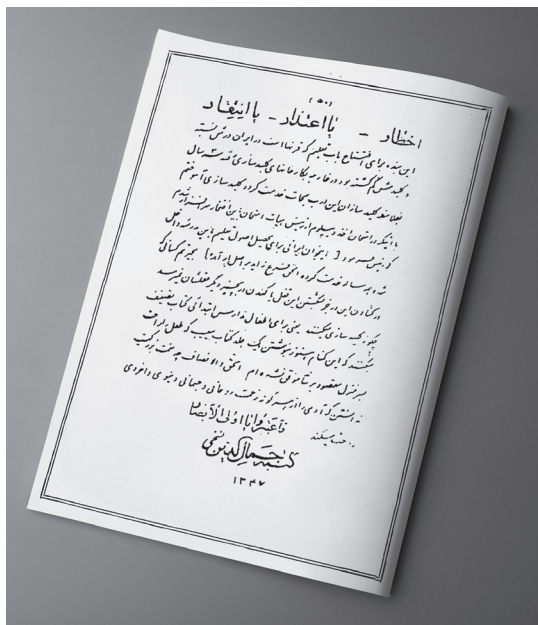
معلمان در سؤالات بخش «تلقین» هر درس بسیار دقت کنند که جواب سؤالاتی را که مطابق عبارات درس نباشد نپذیرند، اما در دوره‌ی دوم که کتاب هدایه‌التعلیم کتاب درسی

۱. فایل نسخه‌ای از این کتاب که چاپ سربی است در اختیار نگارندگان بوده، اما متأسفانه تعدادی از صفحات کتاب از بین رفته است و سال دقیق انتشار آن مشخص نیست.

۲. با در نظر گرفتن صفحه‌ی عنوان و بخش «اخطار» تکراری در ابتدا و انتهای کتاب، تعداد صفحات ۱۷۲ صفحه است.

دانش‌آموزان است، تکلیف شبانه این است که برای هر سؤال جوابی حاضر کرده و بنویسند. بدیهی است که حواشی ذیل صفحات فقط برای معلمین است (همان، ص ۱۳).

در بخش سخنی دربارهٔ ضوابط تدریس عمومی، نویسنده کتاب هدایة التعلیم را فقط آشکارکنندهٔ اسلوب تدریس کتاب بدایة التعلیم، بدون کیفیت تدریس آن، معرفی کرده است. از نظر همهٔ معلمان باتجربه (و همچنین ایشان) قانون تدریس کلیهٔ دروس، از ابتدا تا انتها، بستگی به اظهارات و فهم دانش‌آموزان دارد و معلم نباید متکلم باشد بلکه بایستی با سؤالات تدریجی دانش‌آموزان را به پاسخ رهنمون سازد. رشديه سپس به بیان نکات و جزئیاتی دربارهٔ اصول دیکته پرداخته است (همان، ص ۱۳-۲۸). در ادامه به این موضوع اشاره شده است:



حفظ مطالب درس جلسه، بعد از روی کتاب هدایة التعلیم توسط معلم و در صورت عدم حفظ مطالب، روخوانی از روی کتاب هدایة التعلیم (همان، ص ۲۸).

هر جا معلم به عبارت «و رسمش این است» می‌رسد توجه دانش‌آموزان را به رسوم کتاب درسی بدایة التعلیم معطوف کند. معلم پس از اطمینان از اینکه دانش‌آموزان متن درس کتاب هدایة التعلیم را کامل حفظ کردند، چندین بار شروع به خواندن دسته‌جمعی متن درس نمایند. سپس معلم سؤالات [شفاهی] از بخش «تلقین» از دانش‌آموزان بپرسد و در صورت عدم تطبیق دقیق آن با عبارت کتاب هدایة التعلیم آن را نپذیرد، هر چند جواب به صورت کلی صحیح باشد.

**بعضی نکات مهم دربارهٔ چگونگی آموزش کتاب درسی نهایة التعلیم از دیدگاه میرزا حسن رشديه**  
این ضوابط مهم که در کتاب از آن «ضوابط اصول تدریس خاصهٔ نهایة التعلیم» نام برده شده است، عبارت‌اند از (رشديه، ۱۳۱۸ق، ص ۱۶۴-۱۶۷):

۱. مولانا معلم باید هر شب درس روز بعد را کاملاً مطالعه و از متن درس پاسخ سؤالات بخش تلقین را پیدا کند، حتی اگر پاسخ دروس قبلی باشد و به جواب‌های تقریبی قانع نشود.
۲. عادت دادن شاگردان به مطالعهٔ درس‌های جدید پیش از تدریس (از طریق سؤال کردن دربارهٔ موضوع درس جدید و تعداد جملات آن) و بازخواست دانش‌آموزان خطا کار.
۳. معلم به صورت متکلم وحده متن کتاب درسی را نخواند، بلکه یکی از دانش‌آموزان بخشی از آن را بخواند و در صورت صحت، سایر اطفال همگی آن را با هم تکرار کنند.

۴. پس از اتمام درس، همه با هم کلمه به کلمه شروع به خواندن کنند تا ایرادی در خوانش و ارتباط کلمات به یکدیگر باقی نماند. بعد از آنکه ایرادات کلامی دانش‌آموزان در خواندن عبارات اصلاح شد، به موضوع درک مطلب و جلب تمرکز حواس دانش‌آموزان بپردازند و درباره معنای عبارات درس سؤال کنند و از یکی از داوطلبان بخواهد تا پاسخ دهد و از سایر دانش‌آموزان بخواهد که ایرادها و اشکالات او را بگویند، هر چند این اشکالات جزئی و مانند تکرار کلماتی نظیر «که و» باشند. پس از اتمام نظرهای دانش‌آموزان، معلم به صورت مختصر و مفید حاصل عبارت را گفته و به عبارت بعدی درس بپردازد تا درس آن جلسه تمام شود.

۵. بعد از مراحل فوق از دانش‌آموزان بخواهد که دو دفعه بایستند و بنشینند، بعد شروع به سؤال از بخش «تلقین» کند و از یکی از دانش‌آموزان بپرسد که من چه سؤال کردم؟ آن دانش‌آموز با صدای بلند و بیان روشن بگوید: شما سؤال کردید که... آن وقت صبر کند تا هر کس جواب آن سؤال را از متن درس پیدا کرده، دست بلند کند و پس از شنیدن نظرات دانش‌آموزان درباره پاسخ سؤال و تأیید نهایی آن، به همین ترتیب برای سؤالات بعدی اقدام کند.

۶. در صورت امکان، دو ساعت بعد از تدریس معلم به شاگردان یک ساعت وقت دهد تا تحت نظارت مبصر امین به انجام تکالیف بپردازند، در غیراین صورت یکی از وظایف دانش‌آموزان انجام تکالیف در منزل است. نوع تکالیف بستگی به ذوق و درک معلمان است تا باعث تضييع عمر عزیز اطفال و کار بیهوده نباشد.

۷. میان هر دو بخش، مبحث «وظیفه» قرار دارد که برای تکمیل مطلب درس‌های پیشین است. اگر معلم پنج درس تدریس کند و مطالب مندرج در بخش‌های «تلقین» و «تمرین» و «وظیفه» آن‌ها چنان که لازم است مورد توجه قرار نگرفته باشد، تدریس دروس جدید کار عبث و بی‌فایده است.

۸. دفاتر بخش‌های «وظایف» و «تمرینات» همه روزه باید تصحیح شود؛ به‌خصوص دفتر بخش «تمرین» که مصحح آن باید خود مدرس این کتاب باشد و دانش‌آموزان بایستی صورت سؤال تمرین‌ها با قلم درشت و پاسخ‌ها را با قلم خفی (ریز) بنویسند. اگر معلم نمی‌تواند شخصاً همه دفاتر دانش‌آموزان را تصحیح کند معاونی (از خارج کادر مدرسه) برای خود استخدام نماید و حداکثر دستمزد ماهیانه یک نفر مصحح بابت تصحیح ده دفتر تمرین دانش‌آموزان در هر شب، یک تومان است.

۹. معلم همه‌روزه قبل از شروع تدریس، از دانش‌آموزان بخواهد عبارت درس روز گذشته را از حفظ بیان کنند و سپس شروع به تدریس نماید. کیفیت تحویل گرفتن درس این گونه است که به صحت عبارت و سلاست بیان و آداب فصاحت دقت نموده و از هر یک از دانش‌آموزان یک کلام یا دو کلام بخواهد تا پس از اطمینان از یادگیری دانش‌آموزان به تدریس درس بعد بپردازد.

۱. در ادامه این قسمت میرزا حسن رشدیه نوشته است: «حیف که آهن سرد می‌کوبم».

رشدیة به روش‌های  
مختلف برای  
آموزش معلمان و  
افزایش تعداد آن‌ها  
از جمله آموزش  
مستقیم و ...  
اقدام کرد

برخی از روش‌های غیرمستقیم رشدیة برای ترغیب و اجبار معلمان به استفاده از اصول  
روش تدریس کتاب‌های درسی

۱. «اصول تدریس خاصه این کتاب [کفایة‌التعلیم] مندرج است که معلمین متدین را جز  
به آن اصول، اجرت تدریس، حلال نخواهد شد» (رشدیة، ۱۳۲۳ق، ج ۱، ص ۱۲۸). و  
همچنین «بی‌مطالعة اصول تعلیم در دیباچه [کتاب بدایة‌التعلیم]، مراجعه بر این کتاب  
برای اولی‌الالباب حرام است» (رشدیة، ۱۳۴۷ق، ج ۲، ص ۱).
۲. «وبال‌جهال بر گردن هر مدعی کمال که یک صفحه این کتاب را قبل از تحقق صفحه  
پیش مطالعه نماید. والله المنتقم‌المتعال» (رشدیة، ۱۳۲۱ق، ص ۱).

## نتیجه‌گیری

از نظر تعلیم، اهمیت اصلی کار رشدیة را، علاوه بر استفاده از شیوة الغبای صوتی در  
آموزش و تأسیس مدارس، باید در تألیف کتاب درسی و آموزش بزرگسالان و معلمان دانست.  
رشدیة به روش‌های مختلف برای آموزش معلمان و افزایش تعداد آن‌ها از جمله آموزش  
مستقیم، تألیف کتاب‌های درسی، تدوین تعهدنامه مدیر مدرسه با معلمان «تنبیه‌الغافلین  
یا ارشاد‌الطالبین»، تهیه نکات راهنمای تدریس و کتاب دو منظوره هدایة‌التعلیم (آموزش  
معلمان و دانش‌آموزان) اقدام کرده است.

اما به ادعای خودش «این گمنام هنوز به نوشتن یک جلد کتاب بی‌عیب که طفل را  
راحت به سر منزل مقصود برساند، موفق نشده» است (رشدیة، ۱۳۴۷ق، ج ۲، ص ۵۰). این  
مطلب بیش‌ازپیش اهمیت تألیف کتاب‌های درسی را از دیدگاه رشدیة و نیز ضرورت بررسی  
دقیق‌تر آن‌ها و شیوه‌های آموزش معلمان در اواخر دوره قاجار را آشکار می‌کند.

## منابع

۱. امین سبحانی، رضا (۱۳۳۷). تاریخچه و وجه تسمیه مدارس تبریز. تبریز: بی‌نا.
۲. ایروانی، شهین (۱۳۹۳). «مقدمای بی‌تبییین ماهیت نظام آموزش و پرورش ایران از آغاز دوره مدرن‌سازی تا امروز»، مبانی تعلیم و تربیت، سال (۱۴)، ص ۸۳-۱۱۰.
۳. ایروانی، علی (۱۳۰۸ق). تسهیل‌الحساب. [چاپ سنگی].
۴. بقائی شیره جینی، محمد (۱۳۹۴). زندگینامه، آراء، نظرات و خاطرات میرزا حسن رشدیة. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی.
۵. تاره، مسعود (۱۳۹۳). «شیوة نوین‌آموز ابتدایی در دوره قاجار»، تاریخ علم، دوره ۱۲، ش ۲، ص ۱۶۳-۱۷۲.
۶. رشدیة، حسن (۱۳۱۸ق). نهایة‌التعلیم. چاپ سنگی، نسخه اهدایی آقای طباطبایی، محل نگهداری: کتابخانه مجلس شورای اسلامی. [چاپ سنگی].
۷. رشدیة، حسن (۱۳۲۱ق). هدایة‌التعلیم فی اصول تدریس بدایة‌التعلیم؛ تعلیم‌نامه بدایة رشدیة. تهران: بی‌نا. [چاپ سنگی].
۸. رشدیة، حسن (۱۳۲۳ق). کفایة‌التعلیم. ج ۲، چاپ دوم، تهران: بی‌نا. [چاپ سری].
۹. رشدیة، حسن (بی‌تا). بدایة‌التعلیم. ج ۲، چاپ دوم، بی‌نا. [چاپ سنگی].
۱۰. طاهری مقدم، سید محمد و بوچانی، ابراهیم (۱۳۹۴). «میرزا ملکم خان ناظم‌الدوله و تأملی بر اندیشه‌های آموزشی او- جستارهای تاریخی، دوره ۶، ص ۷۳-۸۸.
۱۱. فردی‌ار، مهرداد، باقریان موحد، سید رضا (۱۳۹۶). «میرزا حسن رشدیة از تحصیل در دارالمعلمین تا آموزش معلمان»، در چهارمین همایش ملی کنفرانس آموزش تاریخ مدارس، محل برگزاری: شهر کرمان.
۱۲. قنبری، محمدرضا (۱۳۸۶). «نگاهی به مکتب‌خانه در ایران»، فرهنگ مردم ایران، ش ۹، ص ۱۱۹-۱۴۰.
۱۳. نصیری، مهدی (۱۳۸۷). «بررسی سیر تحولات نظام آموزشی مکتب‌خانه‌ای در دوره قاجار و پهلوی اول»، حوزه، ش ۱۵۰، ص ۱۹۵-۲۷۸.
۱۴. نوایی، عبدالحسین (۱۳۷۷). «دارالمعلمین عالی و پروگرام مدارس». تاریخ معاصر ایران، ش ۵، ص ۳۵-۶۰.